

بررسی نقش خانواده در بروز ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان سال اول تا سوم متوسطه شهر مراغه در سال تحصیلی ۸۹-۸۸

دکتر سیروس فخرایی^۱
صفر قاسم‌زاده^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش خانواده در بروز ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان سال اول تا سوم متوسطه شهر مراغه در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ صورت گرفته است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر شهرستان مراغه که بالغ بر ۶۳۵۴ نفر می‌باشد که از این تعداد ۳۴۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران و نمونه‌گیری طبقه‌ای به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است و برای جمع‌آوری داده‌ها از آزمون محقق‌ساخته استفاده گردیده است و برای تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس ضریب همبستگی پیرسون و هم‌چنین از آزمون تی استفاده شده است. متغیر وابسته یا ملاک در این پژوهش ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان می‌باشد و هم‌چنین متغیرهای مستقل یا پیش‌بین در این پژوهش عبارتند از: وضعیت اقتصادی خانواده، سطح تحصیلات والدین، بعد خانواده، میزان استواری خانواده، اختلافات خانوادگی، میزان تنبیه والدین، وضع اشتغال والدین، بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش بین میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان و متغیرهای وضعیت اقتصادی خانواده، تحصیلات والدین، میزان تنبیه والدین، اختلافات خانوادگی، میزان استواری خانواده

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور مراغه.

۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.

رابطه معناداری وجود دارد و هم‌چنین بین بعد خانواده و وضع اشتغال والدین با میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش-آموزان رابطه معناداری دیده نشده است.

واژگان کلیدی: ناهنجاری‌های رفتاری^۱، دانش‌آموز، وضعیت اقتصادی

خانواده، تحصیلات والدین.

مقدمه

با وجود اهمیتی که خانواده برای فرد دارد و نیازهای متعدد فرد در خانواده برآورده می‌شود، گاهی خانواده به جای این که محل امن و آرامش و ارضای نیازهای عاطفی و جایگاهی برای تحقق شخصیت مستقل افراد باشد؛ به جایگاهی برای جدال و دعوا تبدیل می‌شود و به جای این که برای آنها آثار و نتایج مطلوبی در بر داشته باشد آثار مخرب دارد تا آن جا که به جهنمی تبدیل می‌شود که زن و مرد و به تبع آن فرزندان در آتش آن می‌سوزند. در چنین حالتی خانواده با همهی آثار مطلوبی که بر فرزندان دارد گاه برای آنان جایگاه نامناسب و نامطلوبی است. به راستی چرا چنین وضعی پیش می‌آید؟ چرا بعضی از زن و شوهرها نمی‌توانند باهم زندگی کنند؟ چرا بعضی از دانش‌آموزان از زندگی در خانواده خویش ناخشنودند؟ اگر پای درد دل همسرانی که با هم اختلاف دارند بنشینید خواهید دید دلایلی که آنها برای اختلافات خویش ذکر می‌کنند بی‌شمارند: از ندادن نفقه و یا عدم توجه به خواسته‌های همسر، طرزرفتار، معناد بودن، نوع لباس پوشیدن، فقر و عدم تفاهم اخلاقی و هزاران مورد دیگر (رجب‌زاده، ۱۳۸۷: ۶۰). در صورتی که افراد خانواده به گونه‌های مختلفی اجتماعی شوند در زندگی انتظارات متفاوت از یکدیگر خواهند داشت و این تفاوت موجب اختلاف آنها خواهد شد مثلاً زنی که کار کردن در بیرون از منزل را یک ارزش می‌داند و انتظار دارد همسرش در این زمینه با او همکاری داشته باشد اگر با مردی ازدواج کند که کار کردن در منزل را وظیفه اصلی زن بداند ازدواج وی با نارضایتی همراه خواهد بود. مردی که دوست دارد تا نیمه شب در بیرون از منزل با دوستان خویش باشد اگر با زنی ازدواج کند

که انتظار دارد همسرش پس از فراغت کار به منزل بیاید زندگی مطلوبی نخواهند داشت.

یکی دیگر از علل ناهنجاری بچه‌ها و مشکلات بزرگ خانواده‌ها تعداد فرزندان و نزاع میان آنهاست. وقتی تعداد بچه‌ها از یک نفر تجاوز کرد نزاع و کشمکش شروع خواهد شد آن یکی دیگری را نیشگون می‌گیرد، دیگری او را هل می‌دهد، خواهر برادرش را مسخره می‌کند برادر هم بلند حرف می‌زند تا خواهرش نتواند درس حاضر کند. هر بچه‌ای خوب می‌داند چه کار کند تا برادر و خواهرش را ناراحت کند و سر و صدا راه بیندازد. بچه‌ها به حساب همدیگر می‌رسند اما پدر و مادر در این میان زجر می‌کشند. مرجع شکایت بچه‌ها پدر و مادرشان هستند بدتر از همه این که گاهی نزاع فرزندان به پدر و مادر سرایت می‌کند مادر به پدر می‌گوید عرضه نداری بچه‌ها را تربیت کنی اصلاً از تو نمی‌ترسند در اثر بی‌عرضه‌گی تو است که خانه مثل میدان جنگ شده است پدر به مادر می‌گوید تو اگر زن باهوش و دانا بودی فرزندان این طور بدجنس و شیطان نبودند در اثر ندانم کاری‌ها و اشتباهات تو است که چنین فرزندان تربیت شده‌اند گاهی نزاع زن و شوهر به جاهای باریک حتی کتک کاری و طلاق هم می‌رسد.

اما در این میان والدین نقش مهمی دارند درست است که پدر و مادر غالباً موفق نمی‌شوند که نزاع‌ها و کشمکش‌های بچه‌ها را به کلی مرتفع سازند اما با عقل و تدبیر می‌توانند آن را به حداقل تنزل دهند. یک پدر آگاه و مسئول نمی‌تواند تماشاگر صحنه‌های زد و خورد فرزندان خود باشد و هیچ عکس‌العملی از خود نشان ندهد، بلکه وظیفه دارد با عقل و تدبیر و صبر و حوصله عوامل اختلاف را برطرف سازد نه این که خودشان با جنگ و نزاع و درگیری محیط خانه را برای فرزندان به جهنمی تبدیل کنند که فرزندان در آتش آن بسوزند (نجفی‌زاده، ۱۳۶۳: ۳۰).

بیان مسئله

رفتار نابهنجار، رفتاری است که به میزان قابل توجهی از یک معیار فرهنگی یا هنجارگروهی دور شده باشد. هنگامی که واژه نابهنجار به معنای منفی یا کنایه آمیز به کار می‌رود منظور رفتاری است که ناسازگارانه بوده و شکست در پی دارد. چنین رفتاری معمولاً برای خود فرد یا دیگران بسیار ناراحت کننده است (کرباسی، ۱۳۷۴:۳۹).

هنجارهای اجتماعی تعیین می‌کند که انسان چه باید بگوید و از گفتن چه چیزهایی باید اجتناب ورزد باید چگونه بیندیشد و چگونه رفتار کند. چه اعمالی را انجام دهد و از انجام چه اعمالی باید اجتناب ورزد و به همین دلیل هر کس سعی می‌کند رفتارهای خود را با هنجارهای اجتماعی سازگار نماید تا جامعه او را به عضویت خود بپذیرد (فرجاد، ۱۳۷۱: ۲۲). زمینه بسیاری از کج روی‌های اجتماعی و ناهنجاری‌ها در جامعه نهفته است و آن زمانی است که جامعه کارکرد لازم را از دست بدهد و نتواند پاسخگوی نیازهای افراد باشد و چنانچه انسان در رسیدن به اهداف مورد نظر نتواند موفق شود و جامعه پتانسیل لازم جهت پاسخگویی به نیازها را نداشته باشد نظم اجتماعی دچار خدشه می‌شود و نوعی آنومی و بی‌هنجاری به وجود خواهد آمد (اسفندیاری، ۱۳۸۱: ۱). بر اساس آموزه‌های جامعه‌شناختی زمانی که زمینه و بستر بروز ناهنجاری‌ها آماده باشد ارتکاب به بزهکاری بیشتر خودش را نشان می‌دهد. چون انسان در تعامل با جامعه و هم‌چنین اجتماعی شدن و اجتماعی زیستن هویت پیدا می‌کند و در ارتباط با دیگران نیازهایش را مرتفع می‌نماید باید این ارتباطات را به او نشان داد و در کنار سایر دروس به او آموخت که چگونه رفتار کند و به عنوان کنشگر چه رفتار منطقی از خود بروز دهد. باید درس جامعه-پذیر شدن و بهنجار کردن رفتار را به او آموخت تا بر اساس انتظاراتی که نظام‌های اجتماعی و سایر افراد از او دارند رفتار کند (شریعتی رودسری، ۱۳۸۰: ۱۲).

خانواده نخستین گروهی است که به صورت طبیعی وجود داشته و جامعه بر آن بنا شده است چگونگی و کیفیت عملکرد خانواده در تحقق وظایف خویش شاخص مناسبی جهت ارزیابی سلامت جامعه می‌باشد هر چه خانواده دارای

عملکرد خوب و سالم‌تری باشد به همان نسبت ثبات و سلامت جامعه بیشتر تأمین شده است و برعکس هر چه خانواده از عملکرد بدتر و آشفته‌تری برخوردار باشد به همان نسبت جامعه بیشتر تهدید شده است. زیرا اختلال در عملکرد خانواده نشانه اختلال در منظومه خانواده است که خانواده را به سمت فروپاشی سوق می‌دهد. کودکان و نوجوانان قربانیان اصلی عملکرد نامطلوب خانواده‌ها می‌باشند. دانشمندان می‌گویند بیشترین افراد ناهنجار و مسأله‌دار وابسته به خانواده‌های آسیب‌دیده هستند و فرزندی که مربوط به خانواده‌های پر کشمکش به سبب عدم برخورداری از آرامش روانی و عدم تمرکز و آشفته‌گی بیشتر در معرض رفتار ناسازگارانه قرار دارند. داده‌های آماری نشان می‌دهد که اکثریت مناطق جهان از افزایش جرایم افراد ناسازگار رنج می‌برند افزایش نرخ ناسازگاری نوجوانان در کشورهای در حال گذار بسیار نگران‌کننده است بررسی‌ها نشان می‌دهد که عملکرد بد و نامناسب خانواده مهم‌ترین عامل در پیش‌بینی ناسازگاری نوجوانان است. برای مثال طبق تحقیقاتی که در فرانسه به عمل آمده ۸۰ درصد افراد ناهنجار از خانواده‌هایی هستند که به علت نفاق و ناسازگاری و عدم تفاهم در بین افراد خانواده و محیط خانوادگی آنها دائماً متشنج است (دانش، ۱۳۶۹: ۳۱۳).

هدف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق تعیین رابطه برخی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خانواده با میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان سال اول تا سوم متوسطه شهر مراغه در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ می‌باشد.

پیشینه تحقیق

سخت‌اوت (۱۳۸۰) در تحقیق خود تحت عنوان (بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری-های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان) در سه شهر خرم‌آباد، بروجرد و نورآباد انجام داد به این منظور از بین دانش‌آموزان دختر و پسر رشته‌های مختلف تحصیلی

۹۷۵ نفر از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. در این مطالعه رابطه ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان با برخی ویژگی‌های فردی آنان نظیر وضعیت تحصیلی، جنسیت و برخی ویژگی‌های خانواده دانش‌آموزان و خود پنداره دانش‌آموزان میزان پیوستگی با والدین، تصویر از خود، آرمان شغلی، پنداشت از کفایت درآمد در مدرسه و بیرون از مدرسه، ریشه‌های مشترکی دارند و نباید آنها را دو پدیده جدا از هم دانست. با توجه به معنی‌دار بودن رابطه ناهنجاری‌های رفتاری با متغیرهای مذکور یافته‌ها حاکی از آن است که داشتن روابط مطلوب در محیط خانواده و مدرسه پنداشت از خود دانش‌آموز، درآمد خانواده، شغل پدر، پنداشت از نظم مدرسه، توفیق در کار مدرسه و جنسیت به عنوان عوامل تاثیرگذار در ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان در مدرسه و برخی متغیرها مانند توفیق تحصیلی، جنسیت و پیوند با مادر در ناهنجاری‌های رفتاری در بیرون از مدرسه اهمیت بیشتری دارند.

کهزادی (۱۳۸۴) در تحقیقی در قالب پایان‌نامه با عنوان (بررسی عوامل مؤثر در بروز رفتارهای نابهنجار در دانش‌آموزان دوره متوسطه عمومی مدارس متوسطه دولتی شهر برازجان) به نتایج زیر دست یافت. میزان رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان پسر از دختر بیشتر است. بین میزان رضایت پاسخگویان از وضعیت آموزشی و رفاهی مدرسه با میزان رفتارهای نابهنجار آنها رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد. احتمال بروز نابهنجاری رفتاری در میان دانش‌آموزانی که دوستان ناباب دارند نسبت به بقیه بیشتر است. رابطه مستقیم و معنی‌داری بین میزان کنترل خانوادگی و میزان بروز رفتار نابهنجار در بین پاسخگویان وجود دارد. بین علقه خانوادگی پاسخگویان و ناهنجاری‌های رفتاری رابطه معکوس و معنی‌دار و هم-چنین بین نگرش و پنداشت دانش‌آموزان از وضعیت زندگی و عملکرد تحصیل شدن با ناهنجاری رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد.

هرشی (۱۹۶۹) نظریه‌پرداز کنترل اجتماعی تحقیقاتی درباره دانش‌آموزان در بیرستان‌های کالیفرنیا انجام داد و درباره نقش مدرسه و خانواده در بزهکاری آنان به

نتایج زیر دست یافت:

- ۱- دانش‌آموزانی که تعلقات خاطر بالایی نسبت به مدرسه و خانواده دارند احتمال کمتری دارد که مرتکب رفتار بزهکارانه شوند.
- ۲- دانش‌آموزانی که به هنجارهای رسمی مدرسه و خانواده اعتقاد ندارند گرایش بیشتری به رفتار بزهکارانه دارند.
- ۳- دانش‌آموزانی که به عللی مدرسه را دوست ندارند و در برنامه‌های رسمی و یا داوطلبانه مدرسه مشارکت فعال ندارند مستعد گرایش به رفتار بزهکارانه دارند. (شومیکر، ۱۹۹۰: ۱۷۴). تحقیقی تحت عنوان (خشونت، پرخاشگری و خرابکاری) در سال (۱۹۴۴) بر روی ۸۵ نفر از جوانان و نوجوانان سنین ۱۸-۱۲ ساله در ایالت کالیفرنیا انجام گرفت. محقق در راستای نظریه کنترل اجتماعی و خرده فرهنگ بزهکاری با استفاده از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه به جمع‌آوری اطلاعات می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد اگر نوجوانان در خانواده‌ها توسط والدین به خوبی جامعه‌پذیر شده باشند، کمتر گرایش به خرابکاری دارند. محقق در پایان نتیجه می‌گیرد که تقیدات و متعلقات نسبت به فعالیت‌ها و هنجارهای رسمی، خانواده، مدرسه و نظایر آن می‌تواند نقش مؤثری در کاهش رفتارهای خرابکارانه توسط جوانان و نوجوانان داشته باشد.

مبانی نظری

بر اساس نظریات صاحب‌نظران و تحلیل‌گران علوم اجتماعی و روان‌شناسی باید گفت که به وجود آمدن یک فرد ناسازگار تابع علل و عوامل اجتماعی و روانی مختلفی می‌باشد که مهم‌ترین عاملی که به نظر می‌رسد تأثیر بسزایی در گرایش دانش‌آموزان به سوی انحراف دارد تأثیر خانواده می‌باشد. خانواده کوچک‌ترین و در عین حال مقدس‌ترین سلول اجتماعی به شمار می‌رود که بر اساس یک اتحاد معنوی خونی و اجتماعی استوار گردیده است. جامعه‌شناسان معتقدند که خانواده بیش از محیط‌های دیگر وظیفه تربیت اخلاقی و معنوی طفل و به تعبیر دیگر نقش اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان را بر عهده دارد. هرگونه روابطی که بین والدین برقرار باشد به مثابه الگویی است که کودک خودش را با آنان هماهنگ

می‌کند و به واقع اگر تنش را مشاهده نماید قطعاً ستیزه‌گر می‌شود و اگر صلح و صفا را مشاهده کند قطعاً انسانی صلح‌طلب خواهد شد. در این فصل مباحث و چهارچوب نظری جامعه‌شناسان در خصوص انحرافات و ناهنجاری‌های رفتاری و هم‌چنین تحقیقات عملی انجام شده در ارتباط با موضوع تحقیق آورده شده که هر کدام از این نظریه‌پردازان به جنبه‌هایی از رفتار انحرافی و یا عوامل مؤثر در بروز آن توجه داشتند موضوع اصلی مورد توجه دورکیم و مرتن در ارتباط با کج‌رفتاری ساخت جامعه و تاثیر آن بر افراد است نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی رفتار انحرافی را نتیجه کارکرد ضعیف سازکارهای کنترل اجتماعی و کنترل‌های شخصی و درونی می‌دانند. در نظریه‌های جامعه‌شناختی اعتقاد بر این است که ریشه‌های انحراف در فیزیک و جسم افراد و نه در روان آنهاست بلکه در ساختارها و گروه‌های است. انحراف به نوعی تحمیل شرایط از سوی جامعه بر افراد است. از صاحب‌نظران این نظریه «کلوارد»^۱ و «اوهلین»^۲ می‌باشد، این دو اعتقاد دارند بعضی ساخت‌ها انحراف‌آور هستند. براساس نظریه برچسب‌زنی که ادوین لمرت، هوارد بکر و اریکسون از صاحب‌نظران آن می‌باشند معتقدند که بسیاری از انحرافات اجتماعی چیزی بیشتر از انگ‌هایی نیستند که دیگران اعم از خانواده، دوستان و قدرت‌مندان به افراد زده‌اند. بر اساس نظریه خنثی‌سازی که «ماتزا»^۳ و «سایکس»^۴ از صاحب‌نظران آن می‌باشند معتقدند افراد بعد از ارتکاب جرم سریع با توجیهات مختلف تلاش می‌کنند کار خود را خنثی و توجیه نمایند.

نظریه فشار اجتماعی، بر این اعتقاد دارد که عواملی در جامعه برخی مردم را تحت فشار قرار می‌دهند، و آنان را مجبور به کج‌رفتاری می‌کنند. به نظر کوهن، شکاف بین اهداف و ابزار به واسطه ناکامی منزلتی موجب کج‌رفتاری می‌شود.

1- Cloward
2- Ohlin
3- Matza
4- Sikes

به اعتقاد مارکس، اکثر مجرمان و بزهکاران از طبقات پایین جامعه اند که به علت نداشتن آگاهی طبقاتی به جای آن که در جهت براندازی نظام سرمایه‌داری تلاش کنند، از راه ارتکاب جرم و بزهکاری از نظام سرمایه‌داری استفاده می‌کنند. هگن^۱ نیز انواع جرم و انحراف را در قالب یک هرم نشان می‌دهد که در رأس آن انحراف شدید نظیر قتل و سرقت قرار می‌گیرد و در قاعده آن انحرافات است که کمتر عنوان جرم پیدا می‌کند در فاصله میان این دو جرایم میانی قرار دارند. هرشی^۲ نیز مهم‌ترین صاحب‌نظر کنترل اجتماعی علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی پیوند اجتماعی آن دانسته است و مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند و یا نبود آن موجب اصلی کج‌رفتاری افراد است.

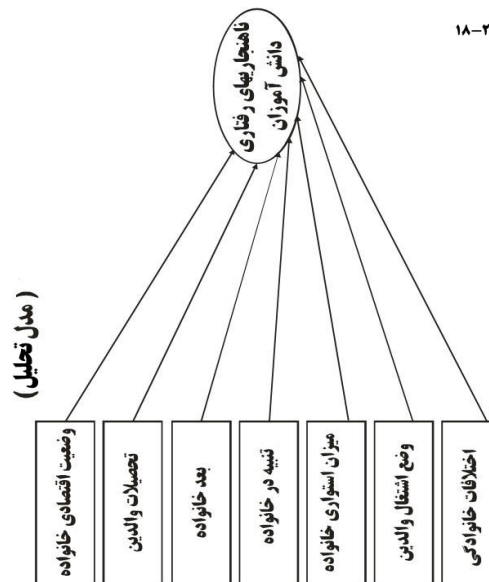
ادوین سازرلند^۳ نیز معتقد است که رفتار انحرافی موروثی و ذاتی نیست و به همان شیوه‌ای یاد گرفته می‌شود که هر رفتار دیگری آموخته می‌شود. به اعتقاد نظریه‌پردازان خرده فرهنگی، رفتار بزهکارانه به وسیله دار و دسته‌های بزهکار معمولاً در اجتماعات خرده فرهنگی طبقات پایین جامعه شکل گرفته و به اجرا در می‌آید. نظریه‌پردازان کنش متقابل اجتماعی (جرج هربرت مید)^۴ و (چارلز هورتن کولی)^۵ معتقدند که رفتار اجتماعی انسان اعم از رفتار بهنجار و نابهنجار در کنش متقابل اجتماعی بر اساس یک عمل دو جانبه و متقابل شکل می‌گیرد هویت فرد به کنش‌های متقابل پایدار بین خود و دیگران وابسته است. و از طریق کنش متقابل با دیگران ایجاد و حفظ می‌شود.

چهار چوب نظری

نظریه‌های کنترل بر این پیش فرض استوارند که برای کاستن از تمایل به رفتار نابهنجار، بزهکارانه و مجرمانه باید افراد کنترل شوند. آنها به این موضوع علاقمندند

-
- 1- J.Hagan
 - 2- Travis Hirschi
 - 3- Edwin Sutherland
 - 4- George Herbert Mead
 - 5- Charles Horton Cooley

که چرا مردم با هنجارها هم‌نوا می‌شوند. پاسخی که آنها ارائه می‌دهند این است که افراد به دلیل این که نیروهای کنترل‌کننده در زندگی آنها تضعیف شده یا غایب باشد، احتمال مجرم شدن آنها افزایش می‌یابد. با توجه به توانایی نظریه‌های پیوند اجتماعی و کنترل اجتماعی در تبیین ناهنجاری‌های اجتماعی بیشترین مطالب به این نظریه‌ها اختصاص یافته است. نظریه‌های کنترل بیشتر بر جرایم جوانان تأکید می‌کنند و اغلب پژوهش‌گران این نظریه در مورد دو دسته از عوامل کنترل، یعنی کنترل‌های شخصی و اجتماعی اتفاق نظر دارند و معتقدند نبود این کنترل‌ها موجب پیدایش بزهکاری و جرم می‌شوند. نظریه پردازان نظارت عقیده دارند که هرچه شخص به فعالیت‌های مرسوم معتقدتر و ملزم‌تر باشد و وابستگی بیشتری به دیگران داشته باشد احتمالاً کمتر از قوانین جامعه سرپیچی می‌کنند. در نظریه‌های آنان خانواده و سپس مدرسه، بیش از همه عوامل نظارت اهمیت دارد و معتقدند که در فرآیند اجتماعی کردن نوجوانان اهمیت خاصی دارد. با توجه به اهمیت خانواده در اجتماعی کردن نوجوانان، تعدادی از متغیرهای مهم مربوط به خانواده را به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته‌ایم که عبارتند از: ۱. وضعیت اقتصادی خانواده ۲. بعد خانواده ۳. میزان استواری خانواده ۴. میزان اختلافات خانوادگی ۵. سطح تحصیلات والدین ۶. شغل والدین ۷. تنبیه در منزل است که به عنوان متغیر مستقل در این تحقیق بررسی شده‌اند و رابطه آنها با ناهنجاری‌های رفتارهای مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند.



شکل شماره (۱): مدل تحلیلی تحقیق

فرضیه‌ها

- ۱- بین وضعیت اقتصادی خانواده و میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان دوره متوسطه تفاوت وجود دارد.
- ۲- بین سطح تحصیلات والدین و میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان دوره متوسطه تفاوت وجود دارد.
- ۳- بین بعد خانواده‌ها و میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان دوره متوسطه تفاوت وجود دارد.
- ۴- بین میزان تنبیه در منزل و میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.
- ۵- بین میزان اختلافات خانوادگی و میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.
- ۶- بین میزان استواری خانواده و ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان دوره متوسطه رابطه وجود دارد.
- ۷- بین وضع اشتغال والدین و میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش آموزان دوره متوسطه تفاوت وجود دارد.

روش‌شناسی

این تحقیق از نوع پیمایش است و از نظر زمانی مقطعی بوده و از حیث وسعت خرد و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری این تحقیق کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌ی اول تا سوم دبیرستان شهر مراغه که بالغ بر ۶۳۵۴ نفر می‌باشد که از این تعداد ۳۴۵۶ نفر پسر و ۲۸۹۸ نفر دختر می‌باشد. تعداد ۳۴۰ نفر دانش‌آموز با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه آماری تعیین گردیده‌اند که این تعداد به دو گروه دانش‌آموز دارای رفتار بهنجار و دانش‌آموز دارای رفتار نابهنجار تقسیم گردیده‌اند. اعتبار ابزار اندازه‌گیری با استفاده از اعتبار صوری سنجیده می‌شود. سئوالات پرسش‌نامه توسط استاد راهنما و مشاور بررسی شده و در نهایت پس از پیش‌آزمون جهت تکمیل در اختیار دانش‌آموزان قرار داده شده است. برای سنجش پایایی سئوالات از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است که میزان آن بین ۰ تا ۱ است. پس از آزمون میانگین ضریب آلفای کرونباخ در بین گویه‌ها ۸۹ درصد بوده است.

در قسمت چهارچوب تئوریک از منابع و مآخذ گوناگون مانند کتاب‌ها، مجلات، نشریات، پایان‌نامه‌ها به صورت کتابخانه‌ای (اسنادی) استفاده شده است. جمع‌آوری اطلاعات نیز با استفاده از ابزار پرسشنامه و توزیع آن در میان اعضای نمونه صورت گرفته است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS می‌باشد که در دو قسمت توصیف داده‌ها و تحلیل داده‌ها صورت گرفته است.

متغیرهای مستقل (پیش‌بین):

وضعیت اقتصادی خانواده، وضعیت اشتغال والدین، میزان استواری خانواده، سطح تحصیلات والدین، اختلافات خانوادگی، تنبیه والدین و بعد خانواده می‌باشد.

متغیر وابسته (ملاک):

ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان می‌باشد. این متغیر در سطح مقیاس فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته است.

بحث و تفسیر در مورد نتایج فرضیه‌های تحقیق

فرضیه یکم: بین وضعیت اقتصادی خانواده و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان تفاوت وجود دارد.

نتایج حاصل از تحلیل فرضیه یکم نشان می‌دهد که بین وضعیت اقتصادی خانواده و میزان ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان تفاوت معنی‌دار وجود دارد. F به دست آمده برابر $3/15$ می‌باشد که با اطمینان $0/95$ معنی‌دار است. بنابراین فرض تحقیق تأیید می‌گردد.

جدول شماره (۱): خلاصه آزمون آنالیز واریانس در مورد فرضیه اول

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
بین گروهی	۹۰۱/۳	۲	۴۵۰/۶	۳/۱۵	۰/۰۴۴	معنی‌دار
درون گروهی	۴۸۲۶۳/۵	۳۳۷	۱۴۳/۲			
کل	۴۹۱۴۶/۸	۳۳۹				

فرضیه دوم: بین سطح تحصیلات والدین و میزان ناهنجاری دانش‌آموزان تفاوت وجود دارد.

داده‌های حاصل از تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که بین تحصیلات والدین دانش‌آموزان با ناهنجاری رفتاری تفاوت معنی‌دار وجود دارد. F به دست آمده برابر $4/09$ می‌باشد که با اطمینان $0/95$ معنی‌دار است. بنا بر این فرض تحقیق تأیید می‌گردد.

جدول شماره (۲): خلاصه آزمون آنالیز واریانس در مورد فرضیه دوم

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
بین گروهی	۱۱۶۵/۳	۲	۵۸۲/۶	۴/۰۹	۰/۰۱۸	معنی‌دار
درون گروهی	۴۷۹۹۹/۶	۳۳۷	۱۴۲/۴			
کل	۴۹۱۶۴/۸	۳۳۹				

فرضیه سوم: بین بعد خانواده و میزان ناهنجاری دانش‌آموزان تفاوت وجود دارد.

داده‌های جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی به دست آمده برابر ۰/۰۵ می‌باشد که از نظر آماری معنی‌دار نیست. بنابراین فرض صفر تأیید می‌گردد و چنین استنباط می‌شود که بین بعد خانواده و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌دار به لحاظ آماری وجود ندارد.

جدول شماره (۳): خلاصه آزمون ضریب همبستگی پیرسون در مورد بعد خانواده و میزان ناهنجاری‌های رفتاری

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
بعد خانواده	ناهنجاری رفتاری	۰/۰۵	۰/۳۸۷	معنی‌دار نمی‌باشد

فرضیه چهارم: بین میزان تنبیه در منزل و میزان ناهنجاری دانش‌آموزان تفاوت وجود دارد.

داده‌های جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که بین میزان تنبیه دانش‌آموزان با میزان ناهنجاری‌های رفتاری تفاوت معنی‌دار وجود دارد. F به دست آمده برابر ۷/۰۷ می‌باشد که با اطمینان ۰/۹۹ معنی‌دار است. بنابر این فرض تحقیق تأیید می‌گردد. هم‌چنین داده جدول مربوط به آزمون تعقیبی LSD نشان می‌دهد که بین میانگین ناهنجاری دانش‌آموزان با میزان تنبیه شدن آن‌ها تفاوت وجود دارد، یعنی دانش‌آموزان که تحت تنبیه بدنی قرار گرفته‌اند بیشتر از دانش‌آموزانی که مورد تنبیه قرار نگرفته‌اند به ناهنجاری رفتاری گرایش دارند.

جدول شماره (۴): خلاصه آزمون آنالیز واریانس در مورد فرضیه چهارم

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
بین گروهی	۱۹۸۱/۸	۲	۹۹۰/۹	۷/۰۷	۰/۰۰۱	معنی‌دار
درون گروهی	۴۷۱۸۳	۳۳۷	۱۴۰			
کل	۴۹۱۶۴/۸	۳۳۹				

فرضیه پنجم: بین اختلافات خانوادگی و میزان ناهنجاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. داده‌های جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی به دست آمده برابر ۰/۳۴ می‌باشد که از نظر آماری معنی‌دار است. بنابراین فرض صفر تأیید نمی‌گردد و فرض مقابل تأیید می‌شود. و چنین استنباط می‌شود که بین اختلافات خانوادگی و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر درجه ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان با درجه و میزان اختلافات خانوادگی رابطه وجود دارد. ضریب تعیین برای آزمون فوق برابر ۰/۱۲ می‌باشد و نشان می‌دهد که ۱۲ درصد از ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان تحت تاثیر اختلافات خانوادگی می‌باشد و بقیه به سایر عوامل بستگی دارد.

جدول شماره (۵): خلاصه آزمون ضریب همبستگی پیرسون در مورد رابطه اختلافات خانوادگی و ناهنجاری رفتاری

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
اختلافات خانوادگی	ناهنجاری رفتاری	۰/۳۴**	۰/۰۰۰۱	معنی‌دار

فرضیه ششم: بین استواری خانواده و میزان ناهنجاری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

داده‌های جدول شماره (۶) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی به دست آمده برابر ۰/۳۱- می‌باشد که از نظر آماری معنی‌دار است. بنابراین فرض تحقیق تأیید می‌شود. و چنین استنباط می‌شود که بین استواری خانواده و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان همبستگی معکوس و معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر بین درجه ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان و میزان استواری خانواده رابطه منفی وجود دارد. می‌توان گفت که ناهنجاری دانش‌آموزان در خانواده‌های با استواری کم و زیاد، متفاوت می‌باشد. ضریب تعیین برای آزمون فوق برابر ۰/۱۰ می‌باشد و نشان می‌دهد که حدود ۱۰ درصد از ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان تحت تاثیر استواری خانواده می‌باشد و بقیه به سایر عوامل بستگی دارد.

جدول شماره (۶): خلاصه آزمون ضریب همبستگی پیرسون
در مورد استواری خانواده و ناهنجاری رفتاری

نتیجه آزمون	سطح معنی داری	ضریب همبستگی	متغیر دوم	متغیر اول
معنی دار	۰/۰۰۰۱	۰/۳۱ - **	ناهنجاری رفتاری	استواری خانواده

فرضیه هفتم: بین وضع اشتغال والدین و میزان ناهنجاری رفتاری دانش آموزان تفاوت وجود دارد.

تفسیر: این فرضیه با توجه به این که هم به شغل مادر اشاره نموده وهم شغل پدر، بنابراین ازدو بخش تشکیل شده است. برای بخش اول مربوط به وضعیت شغل مادر از آزمون t استفاده شده است. که داده‌های حاصل از تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که t به دست آمده با درجه آزادی ۳۸۸ برابر ۰/۲۱ می‌باشد که از نظر آماری معنی دار نمی‌باشد. بنابراین فرض صفر تأیید می‌گردد و چنین استنباط می‌شود که بین ناهنجاری رفتاری دانش آموزان با وضعیت شغل مادر تفاوت معنی داری وجود ندارد.

بخش دوم مربوط به شغل پدر می‌باشد که با آزمون f تحلیل شد، و داده‌های حاصل از تحلیل نشان می‌دهد که بین ناهنجاری رفتاری دانش آموزان با مشاغل مختلف پدران تفاوت معنی داری وجود ندارد. F به دست آمده برابر ۰/۷۱ می‌باشد که از نظر آماری معنی دار نیست. از مجموع نتایج آزمون‌های فوق چنین استنباط می‌گردد که بین شغل والدین و ناهنجاری‌های رفتاری فرزندان تفاوت معنی داری وجود ندارد. بنا بر این فرضیه فوق تأیید نگردید.

جدول شماره (۷): خلاصه آزمون آنالیز واریانس در مورد
تفاوت شغل پدر و ناهنجاری رفتاری دانش آموزان

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
بین گروهی	۴۴۶/۴	۳	۱۴۸/۸	۰/۷۱	۰/۵۴۸	معنی دار نیست
درون گروهی	۷۰۶۲۶/۶	۳۳۶	۲۱۰/۲			
کل	۷۱۰۷۲/۹	۳۳۹				

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی کردیم که با توجه به دیدگاه نظریه‌پردازان نظارت اجتماعی و پیوند اجتماعی نقش خانواده را در بروز ناهنجاری‌های رفتاری دانش-آموزان در یک نمونه آماری ۳۴۰ نفری بررسی کرده و نقش خانواده را در کاهش و یا افزایش ناهنجاری‌های رفتاری مورد مطالعه قرار دهیم. بنابراین نتایج حاصل از تحلیل فرضیه‌ها نشان می‌دهد که بین وضعیت اقتصادی خانواده، سطح تحصیلات والدین، میزان تنبیه والدین، و اختلافات خانوادگی و میزان استواری خانواده‌ها با میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد و فقط بین بعد خانواده و هم‌چنین وضع اشتغال والدین با میزان ناهنجاری‌های رفتاری دانش-آموزان رابطه معناداری دیده نشده است، علت آن هم به نظر می‌رسد که بر اساس نظریه پیوند اجتماعی هرشی دانش‌آموزانی که شغل والدین آنها مورد پسند نیست و یا بیکار هستند آنها برای دستیابی به اهداف و کسب منزلت و حسن شهرت وقت و انرژی خود را صرف می‌کنند و به فعالیت‌های زندگی روزمره معتقدند و از کج-رفتاری پرهیز می‌کنند تا موقعیت‌هایی به دست آورند و مانند پدران‌شان نباشند و هم‌چنین در مورد رابطه بعد خانواده و میزان ناهنجاری‌های رفتاری که این فرضیه بر مبنای نظریه یادگیری اجتماعی مطرح شده بود اما معنادار نبودن رابطه بین این دو متغیر این دلیل را به ذهن متبادر می‌کند که با افزایش تعداد فرزندان در خانواده فرصت زیادی برای انواع بازی‌ها از بازی‌های سنتی و ورزشی گرفته تا بازی‌های کامپیوتری که اخیراً بسیار شایع شده بود مشارکت در این فعالیت‌ها فرصت انجام و یادگیری بسیاری از رفتارهای نابهنجار را از نوجوانان می‌گیرد.

نکته مهم دیگری که در این پژوهش مربوط به ناهنجاری‌های رفتاری می‌باشد که در مدارس بیشتر مشاهده می‌شود این است که رفتارهای نابهنجاری هم‌چون صحبت کردن با دوستان هنگام تدریس معلم، کمک به دوستان هنگام پرسش معلم و تقلب در امتحان برای گرفتن نمره بیشتر متأسفانه در میان دانش‌آموزان چنان شایع شده که قباحت خود را از دست داده و در حال تبدیل شدن به یک عادت زشت و ناپسند است. بعضی مواقع حتی دانش‌آموزانی که از لحاظ درسی و اخلاقی مورد

قبول مسئولین مدرسه هستند نیز مرتکب این گونه ناهنجاری‌های رفتاری می‌شوند. فشار آموزش و پرورش بر مدارس برای افزایش کاذب درصد قبولی در مدارس موجب می‌شود که نظارت مسئولین مدرسه روی دانش‌آموز کمتر شود و از طرفی به علت مشغله کاری والدین و عدم آگاهی آنها، فقر اقتصادی مشغول تأمین مایحتاج زندگی هستند و از رفتار ناشایست فرزندان خود اطلاعی ندارند و این امر باعث رواج این پدیده شوم در مدارس و جامعه شده است و در خاتمه باید گفت والدین در خانواده به مثابه الگویی است که فرزندان خود را با آن هماهنگ می‌کنند. اگر فرزندان در خانواده صلح و صفا را مشاهده کنند قطعاً انسانی صلح‌طلب خواهند بود و اگر جنگ و درگیری را مشاهده کنند انسان جنگجو و ناهنجار خواهند بود. بنابراین نقش خانواده در تربیت فرزندان اساسی بوده و قابل ستودنی است و نقش آن را هیچ ارگان یا سازمانی نمی‌تواند به خوبی و به نحو احسن اجرا کند.

پیشنهادها

- بر پایه نتایج به دست آمده از این پژوهش برای کاهش ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان و نقش خانواده در بروز آن راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود.
- ۱- خانواده از آن‌جا که نخستین واحد اجتماعی است که کودک در آن پرورش می‌یابد و اجتماعی می‌شود والدین باید احساس مسئولیت نموده و به نقش بزرگ خودشان در اجتماعی کردن فرزندان همّت بیشتری نموده و کودکان سالم تحویل جامعه دهند.
 - ۲- مسئولین آموزش و پرورش و سازمان‌ها با برنامه‌ریزی اصولی و دقیق اقدام برگذاری کلاس‌هایی جهت آموزش والدین کم‌سواد تحت عنوان کلاس-های آموزش خانواده و هم‌چنین از طریق سی‌دی‌های آموزشی و از طریق رسانه‌ها، مطبوعات، صدا و سیما - والدین را در تربیت فرزندان راهنمایی کنند.
 - ۳- برنامه‌ریزی برای افزایش اطلاعات والدین از خصوصیات دوران رشد و توجه به نیازهای مهم نوجوانان و جوانان در این دوره به کاهش فاصله بین

والدین و دانش‌آموزان کمک خواهد کرد و این امر به ویژه برای والدینی که سطح تحصیلات آنها پایین است بسیار ضروری است.

۴- به دلیل رایج بودن ناهنجاری‌های رفتاری میان اکثریت دانش‌آموزان لازم و ضروری است که مسئولین آموزش و پرورش به صورت مستقیم و غیر مستقیم به شیوه‌های مختلف و حتی با استفاده از رسانه‌های گروهی آثار سوء اجتماعی این رفتارها را به دانش‌آموزان یادآور شوند. چرا که اکثریت دانش‌آموزان از آثار این گونه رفتارهای ناهنجار خود اطلاعی ندارند و بیشتر از روی عادت یا تقلید از همسالان خود دست به این اعمال می‌زنند.

۵- خانواده و مدرسه دو نهادی اجتماعی هستند که تاثیر بسیار زیادی در شکل‌گیری رفتار و هویت جوانان دارند و در واقع مکمل یکدیگرند پس هر چه قدر ارتباط میان این دو نهاد بیشتر و قوی‌تر باشد می‌تواند بسیاری از مسائل رفتاری دانش‌آموزان را حل کند پس باید ترتیبی در مدارس اتخاذ کرد که ارتباط حضوری و دوستانه والدین با مدارس بیشتر گردد. هماهنگی و ارتباط صمیمانه و مداوم والدین می‌تواند در کاهش ناهنجاریهای رفتاری دانش‌آموزان مفید باشد.

۶- والدین و مسئولین مدارس باید نظارت بر رفتار دانش‌آموزان و کنترل رفتارهای ناهنجار آنها را جدی بگیرند. وجود دانش‌آموز ناهنجار در مدارس و عدم کنترل آنها موجب می‌شود ناهنجاری‌های رفتاری همانند یک بیماری مسری به سایر شاگردان سرایت کند. در چنین شرایطی نه تنها نظم مدرسه به هم می‌خورد بلکه کیفیت آموزش نیز کاهش یافته و به تبع آن افت تحصیلی افزایش می‌یابد.

منابع

اسفندیاری، آ. (۱۳۸۱)، نقش آموزش و پرورش در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی. نشریه همبستگی.

اسکندری، م. (۱۳۸۵)، مجموعه دروس علوم اجتماعی. انتشارات سنجش، جلد اول.

اسکندری، م. (۱۳۸۵)، مجموعه دروس علوم اجتماعی. انتشارات سنجش، جلد دوم.
دانش، ت. (۱۳۶۹)، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟. مؤسسه‌ی کیهان: تهران.

رجب‌زاده، ا. (۱۳۸۷)، مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان. شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

رجب‌زاده، ا. (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی ۱. سال دوم دبیرستان، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

سخاوت، ج. (۱۳۸۰)، بررسی مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان. دانشگاه علامه طباطبایی.

سخاوت، ج. (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.

شریعتی رودسری، م. (۱۳۸۰)، شناخت و درمان اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان. تهران: عابد.

فرجاد، م. ح. (۱۳۷۱)، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات. انتشارات بدر.

کریاسی، م. (۱۳۷۴)، بررسی مشکلات و راه‌های رفتاری دانش‌آموزان مدارس راهنمایی استان همدان. پایان‌نامه دوره دکتری.

نجفی‌زاده، م. (۱۳۶۳)، نشریه انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران. شماره ۶۴.

Shoemaker, D.j. (1990), *Theories of Delinquency*, New York, Oxford University.